

رابطه شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر با قلدری (زورگویی) و سرمایه روان‌شناختی

محسن گل‌پرور^{۱*}، بیتا خبازیان^۲

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی الگوی ساختاری رابطه شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر با زورگویی و سرمایه روان‌شناختی اجرا شد.

روش: روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری پژوهش را کارکنان شرکت مخابرات تهران تشکیل دادند که از بین آن‌ها ۳۴۵ نفر به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی، پرسشنامه محقق ساخته قلدری، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی آسیب‌پذیر و پرسشنامه شخصیت خودشیفته بودند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و الگوسازی معادله ساختاری تحلیل گردید.

نتایج: نتایج حاصل از الگوسازی معادله ساختاری نشان داد که دلبستگی آسیب‌پذیر با زورگویی دارای رابطه مستقیم و معنادار و زورگویی همراه با شخصیت خودشیفته با سرمایه روان‌شناختی دارای رابطه مستقیم و معنادار هستند. همچنین نتایج نشان داد که زورگویی متغیر واسطه‌ای کامل در رابطه دلبستگی آسیب‌پذیر با سرمایه روان‌شناختی است.

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که دلبستگی آسیب‌پذیر همراه با شخصیت خودشیفته و قلدری، می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب تضعیف سرمایه روان‌شناختی در انسان‌ها شوند.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

روان‌شناسی بالینی و شخصیت

(دانشور رفتار)

دوره ۱۳، شماره ۲، پیاپی ۲۵
پاییز و زمستان ۱۳۹۴
صص: ۱۴۸-۱۳۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

Biannual Journal of

Clinical Psychology & Personality

(Daneshvar-e-Raftar)

Vol. 13, No. 2, Serial 25

Autumn & Winter
2015-2016

pp.: 139-148

کلید واژه‌ها: سرمایه روان‌شناختی، زورگویی، شخصیت خودشیفته، دلبستگی آسیب‌پذیر

*Email: drmgolparvar@gmail.com

مقدمه

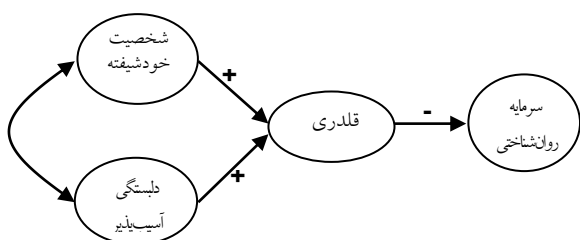
یکی از مشخصه‌های شخصیتی که به‌عنوان یک سبک شخصیتی از سال‌های گذشته تاکنون در پژوهش‌ها و نظریه-پردازی‌ها مورد توجه قرار گرفته، شخصیت خودشیفته^۱ است. از بعد تاریخی خودشیفتگی یکی از مفاهیم و سازه‌های قدیمی در روان‌شناسی است که امروزه در سطح بالینی به‌عنوان نوعی اختلال و در سطح غیربالینی به‌عنوان صفت شخصیتی مطرح است [۱، ۲]. این سازه گسترده‌ی وسیعی از ویژگی‌های شخصیتی شامل احساس اغراق‌آمیز خودستایی، تمایل به داشتن قدرت یا موفقیت نامحدود، نیاز به تحسین، محق‌پنداشتن خود، فقدان همدلی و بهره‌کشی و استثمار دیگران را در برمی‌گیرد [۳]. از لحاظ نظری همه انسان‌ها در مسیر رشد و تکامل شخصیتی خود و شکل‌گیری ارزش خود و اعتمادبه‌نفس از ویژگی‌های خودشیفتگی برخوردار می‌گردند و کم‌وبیش درجاتی از این خصایص را نشان می‌دهند [۴، ۵]. این ویژگی‌ها بسان دیگر ویژگی‌های شخصیتی (نظیر پنج عامل بزرگ شخصیت)، دارای کارکرد نفوذ در تعاملات بین‌فردی هستند و نظام تمرکز، توجه و تفسیر شناختی معینی را بر افراد تحمیل و آن‌ها را به‌سوی نگرش‌های مثبت اغراق‌آمیز درباره خود و در مقابل نگرش‌های سوءاستفاده‌گرانه از دیگر انسان‌ها سوق می‌دهد [۶، ۷ و ۸].

در کنار شخصیت خودشیفته، سبک‌های دلبستگی^۲ نیز به‌عنوان سازه‌های رشدی و تحولی که نموده‌های خود را در سطح رفتار و عملکرد در افراد به‌جای می‌گذارد، مطرح است [۹، ۱۰]. سبک دلبستگی انسان‌ها از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات بین‌فردی آن‌ها است [۱۱، ۱۲]. دلبستگی از دو منظر، یکی میزان ارزشی که فرد برای خود و دیگری میزان ارزشی که فرد برای دیگران قائل است، قابل بررسی می‌باشد. هر چه فرد الگوی ذهنی مثبت‌تری از خود داشته باشد، به همان میزان ارزش بیشتری نیز برای خود قائل است؛ اما در مورد افراد دیگر، ارزشمندی به انتظاری که فرد از در دسترس بودن و حمایتگر بودن دیگران دارد وابسته است [۱۳، ۱۴]. از میان سبک‌های دلبستگی معرفی شده (ایمن، اضطرابی، اجتنابی و دوسوگرا)، گروهی از صاحب‌نظران معتقدند که دو سبک دلبستگی مجاورت‌جو^۳ و نایمن^۴، از زمره سبک‌های دلبستگی با مبنایی آسیب‌شناختی هستند [۱۵]. به همین دلیل نیز در پیشینه نظری پژوهش حاضر، این دو سبک به‌عنوان سبک‌های دلبستگی آسیب‌پذیر^۵ معرفی شده‌اند [۱۶]. افراد دارای دلبستگی نایمن به‌سادگی به دیگران اعتماد نموده و حتی نسبت به توانایی‌های خود برای برقراری ارتباط به نسبت پایدار با دیگران دچار مشکل هستند. از نقطه نظر روان‌شناسی تحولی بارزترین مشخصه افراد دارای دلبستگی نایمن عدم اعتماد است. دومین نوع سبک دلبستگی آسیب‌پذیر، دلبستگی مجاورت‌جو است. از لحاظ نظری مجاورت‌جویی توصیفی است بر

نزدیکی فیزیکی بین فرد با دیگران [۱۵، ۱۶]. در تبیین‌هایی که تاکنون در مورد رفتارهای مطرح در انواع سبک‌های دلبستگی مطرح شده، رفتار مجاورت‌جویی یا حفظ نزدیکی با فرد قابل اعتماد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رفتارها، ملاک داوری نسبت به دیگران در نظر گرفته شده است. بااین‌حال شواهد پژوهشی پس از طرح انواع سبک‌های دلبستگی به این نتیجه انجمیده که رفتارهای مجاورت‌جویانه را به‌طور عمومی می‌توان به‌عنوان یکی از سبک‌های دلبستگی آسیب‌پذیر تلقی کرد [۱۶].

دو متغیر شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر علاوه بر این‌که در تعاملات بین‌فردی نقش اساسی ایفاء می‌کنند [۳، ۵، ۹]، توجه و ادراکات جهت‌داری را در نحوه رفتار افراد پیرامون فرد با وی، به نظام شناختی وی دیکته می‌کنند [۱۷، ۱۸، ۱۹]. همین تحمیل نظام توجه و پردازش جهت‌دار در بسیاری از شرایط باعث تمرکز افراطی افراد بر رفتارهای پرخاشگرانه و در قالبی خاص‌تر، باعث تمرکز بر زورگویی یا قلدری^۶ و پرخاشگری‌های بین‌فردی می‌شود [۲۰]. برای نمونه شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که سبک دلبستگی نایمن (نقطه مقابل دلبستگی ایمن) به‌عنوان یک سبک آسیب‌شناسانه منجر به تمرکز بر محرک‌ها و نگرش‌های بدبینانه و پرخاشگرانه (این نگرش‌های بدبینانه و پرخاشگرانه خود در یک چرخه معیوب منجر به افزایش زورگویی و پرخاشگری می‌شود) می‌شود [۲۱، ۲۲]. همچنین تمایل به مجاورت‌جویی زیاد به‌عنوان یکی دیگر از سبک‌های دلبستگی آسیب‌پذیر، خود می‌تواند باعث بروز قلدری و پرخاشگری در روابط بین‌فردی شود [۲۳، ۲۴]. شواهد پژوهشی در حوزه قلدری حاکی از آن است که مجاورت یک عامل خطر مهم برای وقوع این پدیده است [۲۵، ۲۶]. از طرف دیگر برخی شواهد نشان می‌دهد که تمایلات شخصیتی خودشیفته به‌ویژه میل به تسلط بر دیگران و اثبات شایستگی خود در برتر بودن از دیگران، عاملی بسیار محوری برای بروز قلدری و پرخاشگری در روابط بین‌فردی است [۲۴]. بر اساس آنچه بیان شد در این پژوهش الگویی در خصوص رابطه بین شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر با قلدری و سرمایه روان‌شناختی^۷ در شکل ۱ معرفی شده است. این الگو بر پایه نظریات و یافته‌های پژوهشی که به برخی از آن‌ها در بالا و به برخی دیگر در ادامه اشاره خواهد شد، برای اولین بار در این پژوهش تدوین و معرفی شده است.

شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش



⁶ bullying

⁷ Psychological capital

¹ Narcissist personality

² Attachment styles

³ Proximity seeker

⁴ Insecure

⁵ Vulnerable attachment

می‌تواند حاکی از آن باشد که افراد دارای دلبستگی آسیب‌پذیر چنانکه هم‌زمان با قلدری بیشتری نیز مواجه شوند، از سطح سرمایه روان‌شناختی آن‌ها کاسته خواهد شد. بر اساس پیشینه نظری و پژوهشی ارائه شده، پیش‌بینی می‌شود که در یک الگوی ساختاری سه سطحی، شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر باعث تجربه قلدری از جانب اطرافیان و سپس قلدری تجربه شده (مفعولی) باعث کاهش سطح سرمایه روان‌شناختی شود. این الگو در این پژوهش به محک آزمون گذاشته شده است. از طرف دیگر به واسطه کمبود پژوهش‌هایی که در آن‌ها به بررسی نقش شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر در بروز قلدری و تضعیف سرمایه روان‌شناختی در میان نمونه ایرانی پرداخته باشد، در این پژوهش رابطه شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر را با زورگویی و سرمایه روان‌شناختی در میان یک گروه نمونه ایرانی در قالب یک الگوی مفهومی سه سطحی مورد بررسی قرار داده‌ایم تا دانش نظری و پژوهشی مربوط به پیامدهای شخصیت خودشیفته و دلبستگی‌های آسیب‌پذیر در نمونه‌های ایرانی افزایش یابد. در همین مسیر نیز سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا الگوی ساختاری رابطه شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر با قلدری و سرمایه روان‌شناختی بین نمونه‌های ایرانی دارای برآزش مطلوبی با داده‌ها است یا خیر؟

روش

نوع پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی است.

آزمودنی

الف) جامعه آماری: جامعه آماری آن کلیه کارکنان شرکت مخابرات شهر تهران به تعداد هزار نفر در زمستان ۱۳۹۰ بودند. ب) نمونه پژوهش: از جامعه آماری مورد اشاره، بر پایه جدول تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری [۴۳]، ۳۵۰ نفر برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. انتخاب حجم نمونه ۳۵۰ نفر در این پژوهش به این دلیل بوده که بر اساس متون پژوهشی در دسترس برای دستیابی به نتایج قابل اعتماد در مطالعاتی که از الگوسازی معادله ساختاری در آن‌ها استفاده می‌شود، نمونه ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر توصیه شده است. از طرف دیگر بر اساس شواهد در دسترس نمونه‌های بزرگ‌تر از ۲۰۰ نفر عموماً نتایج معتبرتری در الگوسازی معادله ساختاری به دست می‌دهند [۴۴]، [۴۵]. نمونه پژوهش از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده بر اساس فهرست اسامی انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، ۵ پرسشنامه (معادل ۱/۴ درصد) به دلیل نقص در پاسخگویی از پژوهش کنار رفت و گروه نمونه پژوهش به ۳۴۵ نفر کاهش یافت. ۳۴۵ نفر نمونه پژوهش طیف متنوعی از کارکنان هر دو جنس زن و مرد، رسمی و پیمانی و در دامنه سنی ۲۱ تا ۶۴ سال و دامنه سابقه شغلی ۱۰ تا ۳۰ سال را در بر گرفته است. از ۳۰۸ نفر که جنسیت خود را اعلام نمودند، ۱۷۰ نفر مرد (معادل ۵۵/۲ درصد) و ۱۳۸ نفر زن (معادل ۴۴/۸ درصد) بودند.

قلدری در قالبی کلی شکلی از رفتارهای پرخاشگرانه بین‌فردی است که طی آن به دلیل عدم توازن قدرت در تعاملات اجتماعی، یکی از طرفین با نشان دادن تهدید کلامی و فیزیکی و با اعمال زور سعی در تطمیع و متابعت طرف مقابل می‌کند [۲۷، ۲۸]. عوامل مختلفی در سطح روانی و اجتماعی می‌توانند باعث تمایل افراد به قلدری هم در شکل فاعلی (قلدری کردن) و هم در شکل مفعولی (مورد قلدری واقع شدن) شود. از مهم‌ترین این عوامل ویژگی‌های شخصیتی است [۲۹، ۳۰]. شواهد گسترده و با ثباتی حاکی از پیوند میان ویژگی روان‌رنجورخویی با پرخاشگری و قلدری است [۲۴، ۳۱]. همچنین شواهد گسترده‌ای حاکی از آن است که افراد خودشیفته بیش از آنکه مورد پرخاشگری و قلدری قرار گیرند، به دیگران زورگویی نموده و پرخاشگری می‌کنند [۲۰، ۲۵، ۳۱]. بر اساس آنچه بیان شد، مطابق با آنچه در شکل ۱ ارائه شده، بین شخصیت خودشیفته و دلبستگی آسیب‌پذیر با قلدری تجربه‌شده (مفعولی) دو رابطه فرض و مطرح شده است؛ اما همان‌طور که در شکل ۱ نیز قابل مشاهده است، یک متغیر پیامد نهایی نیز در این پژوهش برای قلدری مد نظر قرار گرفته و آن سرمایه روان‌شناختی است.

در سال‌های اخیر نقش آمایه‌های ذهنی مثبت‌نگر، نظیر سرمایه روان‌شناختی در زندگی انسان‌ها به تدریج با نیرو گرفتن روان‌شناسی مثبت‌گرا در میان جنبش‌ها و رویکردهای نوین روان‌شناختی، در متون علمی و آکادمیک بیش‌ازپیش مورد علاقه اندیشمندان حوزه‌های مختلف روان‌شناسی قرار گرفته است [۳۲]. این علاقه و توجه فزاینده مبتنی بر یافته‌های پژوهشی بوده که نشان داده مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر ظرفیت گسترده‌ای برای تبیین نحوه عمل و رفتار افراد در محیط‌های مختلف دارند [۳۳، ۳۴]. مطرح‌ترین سازه در عرصه روان‌شناسی مثبت‌نگر، سرمایه روان‌شناختی است [۳۵]. صورت‌بندی عوامل روان‌شناختی به‌عنوان یک منبع سرمایه‌ای برای انسان‌ها، با این استدلال همراه بوده که اگر سرمایه‌های اقتصادی، انسانی و اجتماعی و حتی سرمایه مادی می‌توانند عاملی برای دستیابی انسان به اهداف و موفقیت‌هایش باشند، بدون تردید منابع پنهان روان‌شناختی درون انسان نیز چنین ظرفیت بی‌پایانی را دارا هستند [۳۶]. در تائید این ادعا شواهد پژوهشی نشان داده که حس خودکارآمدی، امیدواری، خوش‌بینی و تاب‌آوری، با گستره وسیعی از نگرش‌ها و رفتارهای مثبت معطوف به موفقیت و همچنین با گستره قابل توجهی از سازه‌های عملکردی در محیط‌های مختلف رابطه دارند [۳۴، ۳۷، ۳۸]. همچنین شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی با سرمایه روان‌شناختی دارای رابطه هستند [۳۹]. برای نمونه برنیت و همکاران رابطه ویژگی‌های شخصیتی را با سرمایه روان‌شناختی مورد مطالعه قرار داده و نشان دادند که بین سرمایه‌روان‌شناختی با برون‌گرایی، ابتکار و متفکرانه رفتار کردن رابطه وجود دارد [۳۹]. در کنار این پژوهش، شواهد پژوهشی قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد دلبستگی ایمن افراد می‌تواند زمینه‌ساز تلاش‌های هدفمند و موفقیت در کار شود [۴۰، ۴۱، ۴۲]. این شواهد

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه به‌دست‌آمده است. در یک مطالعه بین‌شش مؤلفه این پرسشنامه با عواطف منفی و شکایات جسمانی رابطه مثبت و در مقابل با عاطفه مثبت رابطه منفی به‌دست‌آمده است [۴۷]. در مطالعه دیگری نیز در راستای روایی سازه از نوع همگرایی پرسشنامه قلدری و مؤلفه‌های آن بین قلدری با بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی رابطه منفی به‌دست‌آمده است [۴۸]. در کل نمونه پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه برابر با ۰/۹۱ به دست آمد.

۳) پرسشنامه دل‌بستگی آسیب‌پذیر^۴: برای سنجش سبک‌های دل‌بستگی آسیب‌پذیر از پرسشنامه بیست‌ودو سؤالی بی‌فالتکو و همکاران استفاده شد [۱۶]. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه پنج‌درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) می‌باشد. بی‌فالتکو و همکاران روایی این پرسشنامه را بر حسب تحلیل عاملی اکتشافی مستند ساخته و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲ و پایایی بازآزمایی برابر با ۰/۷۳ و ۰/۶۵ ($p < 0.01$) را برای آن گزارش نموده‌اند [۱۶]. از آنجایی که این پرسشنامه در این پژوهش برای اولین بار ترجمه و مورد استفاده قرار می‌گرفت پس از ترجمه اولیه از زبان انگلیسی به زبان فارسی، پرسشنامه توسط یک متخصص از نظر ترجمه مورد بررسی دقیق قرار گرفت و تأیید شد. در یک مطالعه بر روی ۳۰ نفر آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه برابر با ۰/۸۳ به دست آمد. به دنبال آن تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس (بر مبنای پاسخ‌های نمونه نهایی پژوهش، یعنی ۳۴۵ نفر) مبتنی بر مؤلفه‌های اصلی بر روی بیست‌ودو سؤال انجام گردید. شواهد حاصل از این تحلیل نشان داد که این پرسشنامه در قالب بیست‌ودو سؤال دارای شرایط مطلوبی برای سنجش کلیت دل‌بستگی‌های آسیب‌پذیر می‌باشد. تحلیل عاملی تأییدی با شاخص‌های برازش مطلوب ($\chi^2 = 422/19$ ، $df = 166$ ، $GFI = 0/9$ ، $AGFI = 0/85$ ، $RMR = 0/08$ ، $NFI = 0/83$ ، $TLI = 0/84$ ، $CFI = 0/09$ ، $AIC = 19/96$ و $RMSEA = 0/067$) نیز روایی سازه این پرسشنامه را تأیید نمود. در کل نمونه ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه برابر با ۰/۸۲ به دست آمد.

۴) پرسشنامه شخصیت خودشیفته^۵: برای سنجش شخصیت خودشیفته از پرسشنامه شانزده سؤالی ارائه شده توسط آمس و همکاران که هر سؤال آن دارای دو سطح شخصیت خودشیفته و غیر خودشیفته است و فرد پاسخگو لازم است از بین دو سطح، سطحی را که با شخصیت وی سازگاری بالاتری دارد را انتخاب نموده و در پرسشنامه علامت‌گذاری نماید، استفاده شد [۴]. آمس و همکاران روایی این پرسشنامه را به‌صورت روایی همگرا با پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت و پرسشنامه چهل سؤالی شخصیت خودشیفته بررسی و شواهد بسیار مطلوبی از روایی سازه همگرایی این پرسشنامه ارائه نموده‌اند. همچنین این محققان آلفای کرونباخ را برای این پرسشنامه ۰/۷۲ را گزارش کردند [۴]. در

۱) پرسشنامه سرمایه‌ی روان‌شناختی^۱: سرمایه روان‌شناختی از طریق پرسشنامه سیزده سؤالی گل‌پرور و واقتی که دارای مقیاس پاسخ‌گویی پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) است اندازه‌گیری شد [۴۶]. گل‌پرور و واقتی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی روایی سازه این پرسشنامه را در ایران مستند ساخته و پایایی بر حسب آلفای کرونباخ را برای این پرسشنامه به‌صورت میانگین برابر با ۰/۷۹ گزارش نموده‌اند [۴۶]. در این پژوهش در یک مطالعه بر روی ۳۰ نفر آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه برابر با ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین در راستای بررسی این پرسشنامه نیز تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس و تحلیل عاملی تأییدی با شاخص‌های برازش مطلوب ($\chi^2 = 5/99$ ، $df = 4$ ، $RMR = 0/14$ ، $AGFI = 0/97$ ، $GFI = 0/99$ ، $\chi^2/df = 1/5$ ، $NFI = 0/98$ ، $TLI = 0/99$ ، $CFI = 0/99$ ، $AIC = 27/99$ و $RMSEA = 0/038$) روایی سازه این پرسشنامه را قابل قبول نشان داد. در کل نمونه ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه برابر با ۰/۷۹ به دست آمد.

۲) پرسشنامه قلدری^۲: برای سنجش قلدری، از پرسشنامه‌ای سی سؤالی که برای این پژوهش بر اساس پیشینه نظری و پژوهشی در دسترس [۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱] آماده اجرا شد، استفاده شد. سؤالات این پرسشنامه بر اساس منابع مورد اشاره برای این پژوهش تدوین گردید و حوزه‌های مورد پوشش در این پرسشنامه شامل اهانت و تهدید، قلدری انفعالی (نظیر نادیده گرفتن و کم‌توجهی)، کینه‌توزی و آزار، تحقیر و انتقاد و فشار کاری غیرمتعارف عمدی (تحمیل کارهای زیاد برای آزار فرد) بوده است. این پرسشنامه به‌جای ارتکاب زورگویی و قلدری، میزان مواجه‌شدن با قلدری را مورد سنجش قرار می‌دهد، لذا به‌عنوان تجربه مواجه‌شدن با قلدری مطرح شده است. مقیاس مورد استفاده در این پرسشنامه پنج‌درجه‌ای (هرگز = ۱ تا روزی یک‌بار = ۵) و روایی صوری سؤالات مطرح در این پرسشنامه توسط دو تن متخصص مورد تأیید قرار گرفت. در یک مطالعه بر روی ۳۰ نفر آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه برابر با ۰/۹۴ به دست آمد. به دنبال آن برای بررسی روایی سازه پرسشنامه بر مبنای پاسخ‌های نمونه نهایی پژوهش (یعنی ۳۴۵ نفر) سؤالات مورد تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس مبتنی بر مؤلفه‌های اصلی قرار گرفت. بر اساس «کی. ام. ا.»^۳ به‌دست‌آمده برابر با ۰/۸۹، سی سؤال پرسشنامه ۶۶/۲۷ درصد از کل واریانس پرسشنامه را تبیین می‌نمودند. تحلیل عاملی تأییدی با شاخص‌های برازش مطلوب ($\chi^2 = 4/75$ ، $df = 4$ ، $\chi^2/df = 1/19$ ، $GFI = 0/99$ ، $AGFI = 0/98$ ، $RMR = 0/06$ ، $NFI = 0/99$ ، $TLI = 0/99$ ، $CFI = 0/99$ ، $AIC = 26/75$ و $RMSEA = 0/02$) نیز روایی سازه این پرسشنامه را مورد تأیید قرار داد. علاوه بر شواهد روایی و پایایی ارائه شده در دو مطالعه مستقل دیگر نیز شواهدی از روایی سازه همگرایی این

¹ PCQ- 13

² EBQ- 30

³ KMO

⁴ VAQ- 22

⁵ NPQ-16

پژوهش حاضر همانند پرسشنامه سبک‌های دلبستگی آسیب‌پذیر پرسشنامه شخصیت خودشیفته ابتدا از زبان انگلیسی به زبان فارسی ترجمه و سپس پرسشنامه ترجمه شده توسط متخصص به‌دقت مورد بررسی تطبیقی قرار گرفت و تأیید گردید. در یک مطالعه بر روی ۳۰ نفر آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه برابر با ۰/۷۶ به دست آمد. پس از آن تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس و مبتنی بر مؤلفه‌های اصلی انجام شد. نتایج حاصل از این تحلیل عاملی شانزده سؤال این پرسشنامه را بر یک عامل قرار داد. تحلیل عاملی تأییدی با شاخص‌های برازش مطلوب ($\chi^2=154/06$, $df=84$, $\chi^2/df=1/83$, $GFI=0/95$, $RMR=0/009$, $NFI=0/91$, $AGFI=0/92$, $TLI=0/94$)

شیوه تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و الگوسازی معادله ساختاری انجام گرفت. تحلیل‌های انجام شده با استفاده از بسته آماری برای علوم اجتماعی و نرم افزار تحلیل ساختارهای گشتاوری انجام شد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	M	SD	۱	۲	۳
۱	قلدری	۱/۶۱	۰/۶۲	-		
۲	سرمایه روان‌شناختی	۳/۴۲	۰/۶	-۰/۳۵**	-	
۳	دلبستگی آسیب‌پذیر	۲/۷۴	۰/۴۸	۰/۳**	-۰/۰۳	-
۴	شخصیت خودشیفته	۰/۳۸	۰/۲۱	۰/۰۵	-۰/۱۳*	-۰/۰۳

**p<0/01 - *p<0/05

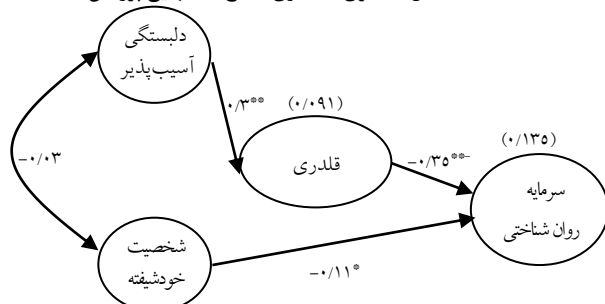
نتایج

چنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، قلدری با سرمایه روان‌شناختی دارای رابطه منفی و معنادار و با دلبستگی آسیب‌پذیر دارای رابطه مثبت و معنادار ($p<0/01$) است. سرمایه روان‌شناختی نیز فقط با شخصیت خودشیفته دارای رابطه منفی و معناداری است ($p<0/01$). در ادامه تحلیل‌ها، الگوی پیشنهادی اولیه (شکل ۱ را نگاه کنید) با استفاده از الگوسازی معادله ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. یک الگوی مناسب از لحاظ شاخص‌های برازش باید دارای χ^2 دو غیر معنادار، نسبت χ^2/df دو به درجه آزادی کمتر از ۳، شاخص نیکویی برازش^۱ و شاخص برازش تطبیقی^۲ بیشتر از ۰/۹، شاخص برازش افزایشی^۳ بزرگ‌تر از ۰/۹، ریشه میانگین مجذورات باقیمانده^۴ کوچک‌تر از ۰/۰۵ و تقریب ریشه میانگین مجذورات خطا^۵ کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد [۴۴، ۴۳]. با توجه به آنچه بیان شد، χ^2 دو مدل پیشنهادی اولیه معنادار ($p<0/01$)، نسبت χ^2/df دو به درجه آزادی بزرگ‌تر از ۳، «جی. اف. آی.»، «سی. اف. آی.» و «آی. اف. آی.» هر سه کمتر از ۰/۹، «آر. ام. اس. آر.» بزرگ‌تر از ۰/۰۸ و «آر. ام. اس. آی.» نیز از ۰/۰۸ بزرگ‌تر بود. معناداری χ^2 دو، نسبت بالای χ^2/df دو به درجه آزادی و «آر. ام. اس. آی.» بزرگ‌تر از نقطه برش مطلوب، حاکی از آن است که الگوی پیشنهادی نیاز به اصلاح و بازنگری دارد [۴۴، ۴۳]. بررسی ضرایب مسیر الگوی اولیه همراه با شاخص‌های اصلاح نشان داد که لازم است بازنگری‌هایی به این شکل در الگو انجام شود: یک مسیر

از شخصیت خودشیفته به سرمایه روان‌شناختی اضافه و مسیر شخصیت خودشیفته به قلدری به دلیل غیر معنادار بودن حذف گردید. این تغییرات در الگوی نهایی و بازنگری شده مبتنی بر پیشینه‌ی پژوهش و شاخص‌های اصلاح انجام شدند [۴، ۵، ۲۳، ۲۴]. در جدول ۲ نتایج الگوسازی معادله ساختاری برای الگوی نهایی و بازنگری شده پژوهش آمده است.

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود دلبستگی آسیب‌پذیر، با ضریب بتای استاندارد ۰/۳، ۹/۱ درصد از واریانس قلدری را تبیین نموده است. در مرحله بعدی، قلدری و شخصیت خودشیفته به ترتیب با ضریب بتای استاندارد ۰/۳۵- و ۰/۱۱-، ۱۳/۵۸ درصد از واریانس سرمایه روان‌شناختی را تبیین نموده‌اند. همچنین چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، χ^2 دو مدل نهایی برابر با ۳/۳۹ و غیر معنادار ($p>0/05$)، نسبت χ^2/df دو به درجه آزادی برابر با ۱/۷، «جی. اف. آی.» برابر با ۰/۹۹، «سی. اف. آی.» برابر با ۰/۹۸، «آر. ام. اس. آر.» برابر با ۰/۰۷ و «آر. ام. اس. آی.» برابر با ۰/۰۴ است. در شکل ۲ الگوی نهایی و بازنگری شده ارائه شده است.

شکل ۲. الگوی ساختاری اصلاح‌شده نهایی پژوهش



1 Goodness of Fit Index (GFI)

2 Comparative Fit Index (CFI)

3 Incremental Fit Index (IFI)

4 Root Mean Square of Residual (RMSR)

5 Root Mean Square of Error Approximation (RMSEA)

جدول ۲. نتایج حاصل از الگوسازی معادله ساختاری برای الگوی نهایی پژوهش

RMSEA	RMSR	IFI	CFI	GFI	χ^2 df	R ²	β	SE	b	رابطه متغیرها در الگوی نهایی	$\hat{\rho}$
						۰/۰۹۱	۰/۳**	۰/۰۷	۰/۳۹**	دل بستگی آسیب‌پذیر ← قلدری	۱
					۳/۳۹ (۲)	۰/۱۳۵	-۰/۳۵**	۰/۰۵	-۰/۳۳**	قلدری ← سرمایه روان‌شناختی	۳
۰/۰۴	۰/۰۰۷	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۹	۱/۷		-۰/۱۱*	۰/۱۴	-۰/۳۳*	شخصیت خودشیفته ← سرمایه روان‌شناختی	۴
						** $p < ۰/۰۱$					
						* $p < ۰/۰۵$					

طریق قلدری رابطه برقرار می‌کند. در جدول ۳، اثرات غیرمستقیم دل بستگی آسیب‌پذیر بر سرمایه روان‌شناختی از طریق قلدری ارائه شده است.

چنانکه در شکل ۲ دیده می‌شود، شخصیت خودشیفته با سرمایه روان‌شناختی دارای رابطه مستقیم، اما دل بستگی آسیب‌پذیر با سرمایه روان‌شناختی به‌طور غیرمستقیم از طریق از

جدول ۳. اثرات غیرمستقیم و مستقیم مدل نهایی پژوهش در حالت استاندارد و غیراستاندارد

ردیف	اثرات غیرمستقیم	سرمایه روان‌شناختی غیراستاندارد	استاندارد
۱	اثر غیرمستقیم دل بستگی آسیب‌پذیر بر سرمایه روان‌شناختی از طریق قلدری	-۰/۱۳**	-۰/۱۱**

** $p < ۰/۰۵$

بخش دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که قلدری و شخصیت خودشیفته با سرمایه روان‌شناختی دارای رابطه منفی و معنادار هستند. این یافته نیز با مطالعات مربوط به قلدری [۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۱] و شخصیت خودشیفته [۱، ۲، ۴، ۵] که در آن‌ها اشاره شده که افراد هدف قلدری و زورگویی دچار احساس حقارت، خودکم-بینی و شکایات روانی می‌شوند و همچنین برخلاف مشخصه‌ها و نمودهای ظاهری، افراد خودشیفته در سطح روان‌شناختی و به‌ویژه در سطح عوامل روان‌شناختی نظیر خودکارآمدی، امیدواری و مواردی از این دست فاقد بنیان‌های مستحکم روانی هستند، همسویی نشان می‌دهد. همچنین یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که وجود ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته تهدیدی جدی برای سرمایه روان‌شناختی افراد محسوب می‌شود. به این معنی که افراد خودشیفته با تمرکز افراطی بر خود و مشخصه‌هایشان، به جای تلاش شخصی برای دستیابی به اهداف خود، بر جلب نظر و تائید دیگران متمرکز می‌شوند.

از طرف دیگر افراد خودشیفته به دلیل تمرکز افراطی بر خود، از توجه به نیازهای دیگران عاجزند، لذا چندان بازخورد مثبتی از جانب دیگران دریافت نمی‌کنند. همین امور می‌تواند به تضعیف سرمایه روان‌شناختی آن‌ها منتهی شود [۶، ۷، ۸]. بخش دیگر یافته‌ها در سطح همبستگی‌های ساده حاکی از آن بود که بین دل بستگی آسیب‌پذیر با سرمایه روان‌شناختی، بین شخصیت خودشیفته با قلدری و بین دل بستگی آسیب‌پذیر با شخصیت خودشیفته رابطه معناداری وجود ندارد.

در خصوص این یافته‌ها باید گفت که نمونه مطالعه دیگری از دیگر پژوهشگران در دسترس قرار نگرفت تا بتوان از همسویی و ناهمسویی یافته‌ها با آن‌ها سخن به میان آورد. باین حال در تبیین این بخش از یافته‌ها چند احتمال مطرح است. احتمال اول این است که واقعاً بین دل بستگی آسیب‌پذیر با سرمایه روان‌شناختی،

چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، اثر غیرمستقیم دل بستگی آسیب‌پذیر بر سرمایه روان‌شناختی از طریق قلدری به‌صورت غیراستاندارد برابر با -۰/۱۳ و به‌صورت استاندارد برابر با -۰/۱۱ منفی می‌باشد. این ضریب بر اساس منابع موجود بر مبنای آزمون بوث استراپ [۴۳، ۴۴] در سطح $p < ۰/۰۱$ (اغلب ضرایب بیش از ۰/۰۸ در سطح $p < ۰/۰۱$) معنادار هستند. بررسی اثرات واسطه‌ای نیز حاکی از آن بود که قلدری متغیر واسطه‌ای کامل^۱ در رابطه دل بستگی آسیب‌پذیر با سرمایه روان‌شناختی است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش که با هدف بررسی الگوی ساختاری رابطه شخصیت خودشیفته و دل بستگی آسیب‌پذیر با قلدری و سرمایه روان‌شناختی اجرا شد، در سطح همبستگی‌های ساده نشان داد که دل بستگی آسیب‌پذیر با قلدری دارای رابطه مثبت و معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که دل بستگی آسیب‌پذیر می‌تواند به قلدری (در شکل مفعولی) بالاتری در افراد منجر شود. بر اساس نظریات و پژوهش‌های موجود [۱۳، ۱۴] سبک دل بستگی افراد از یک طرف تعیین‌کننده نوع تعامل افراد با دیگران و از طرف دیگر عاملی جهت تفسیر شناختی نوع رفتار دیگران با فرد است [۹]؛ بنابراین زمانی که فرد دارای دل بستگی آسیب‌پذیر است، با انتخاب تعامل‌های همخوان با سبک دل بستگی آسیب‌پذیر خود، زمینه را برای قلدری دیگران با خود فراهم می‌سازد.

از طرف دیگر رابطه بین دل بستگی آسیب‌پذیر با قلدری خود حاکی از آن است که علاوه بر آسیب‌های احتمالی روانی ناشی از دل بستگی فرد، زمینه رفتارهای آسیب‌زای دیگران با فرد نیز در سطح اجتماعی برای افراد دارای دل بستگی آسیب‌پذیر فراهم است.

^۱ Complete mediator

مستقیم اعمال نمود. در تبیین این یافته باید گفت که از یک طرف افراد دارای خودشیفتگی، ممکن است از تعاملات بسیار نزدیک و مجاورت‌جویانه اجتناب کنند، به همین دلیل ممکن است چندان هم مورد زورگویی قرار نگیرند. از طرف دیگر افراد خودشیفته به دلیل ویژگی‌های خود چندان قادر به حفظ روابط نزدیک با دیگران نیستند.

این ناتوانی در حفظ روابط نزدیک، چنانکه به بی‌توجهی دیگران به این افراد منجر شود می‌تواند به‌طور جدی سلامت روانی و سرمایه روان‌شناختی آن‌ها را تضعیف کند. این نکته نیز قابل ذکر است که با احتمال زیاد به‌جای قلدری مفعولی، در افراد خودشیفته قلدری فاعلی متغیر واسطه‌ای در رابطه شخصیت خودشیفته با سرمایه روان‌شناختی است. به این صورت که هر چه ویژگی‌های خودشیفتگی در فرد نیرومندتر باشد، به همان میزان قلدری بیشتری توسط فرد متوجه دیگران می‌شود. این قلدری موجب طرد و انزوای واقعی و ادراک‌شده در افراد خودشیفته می‌شود و از این طریق با عدم تأمین نیاز مورد توجه دیگران بودن، از سطح سرمایه روان‌شناختی آن‌ها کاسته خواهد شد. نتیجه‌گیری حاصل از این پژوهش در این راستا می‌باشد که شخصیت خودشیفته به‌طور مستقیم و دلبستگی آسیب‌پذیر از طریق قلدری مفعولی زمینه‌سازهای تضعیف سرمایه روان‌شناختی هستند. درعین حال بر اساس یافته‌های این پژوهش، لازم است تا به نقش مستقیم خودشیفتگی برای سرمایه روان‌شناختی و نقش غیرمستقیم دلبستگی آسیب‌پذیر برای سرمایه روان‌شناختی از طریق قلدری در قالب رویکردی نظیر "رویکرد کارکردهای نسبی تابع ویژگی" توجه لازم و کافی بشود.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، در سطح کاربردی برای پیشگیری از تضعیف سرمایه روان‌شناختی افراد که عاملی بسیار با اهمیت برای موفقیت و بهزیستی است، لازم است مقررات و قوانین رسمی و مدون در خصوص ممنوعیت قلدری و زورگویی، سازوکارهای حمایتی، نظیر حمایتگران گمنام از افراد هدف قلدری و زورگویی، برقراری امکانات مشاوره و راهنمایی در محیط‌های کار برای افراد واجد دلبستگی آسیب‌پذیر و تمایلات و مشخصه‌های خودشیفتگی فراهم شود تا از آن طریق بتوان اثرات مخرب دلبستگی آسیب‌پذیر، زورگویی و خودشیفتگی بر سرمایه روان‌شناختی کاست.

تعمیم و تفسیر یافته‌های این پژوهش باید در سایه توجه به محدودیت‌های آن (شامل محدود بودن گروه نمونه به کارکنان شرکت مخابرات تهران به‌عنوان یک سازمان خدماتی و احتیاط در تفسیر علت و معلولی از نتایج) انجام شود. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که این مطالعه در گروه‌های نمونه سازمان‌های غیر خدماتی اجرا شود تا بتوان تصویر جامع‌تری از نقش‌های دلبستگی آسیب‌پذیر و شخصیت خودشیفته به دست آورد. همچنین می‌توان با جایگزین نمودن متغیرهایی نظیر قلدری فاعلی (نه قلدری مفعولی) این پژوهش را تکرار نمود.

بین شخصیت خودشیفته با قلدری و بین دلبستگی آسیب‌پذیر با شخصیت خودشیفته رابطه معناداری وجود ندارد.

این مسئله در پژوهش‌های آینده مشخص خواهد شد. احتمال بعدی (که تا اندازه‌ای مبتنی بر برخی شواهد می‌باشد) این است که دلبستگی آسیب‌پذیر در برقراری رابطه با سازه‌های روان‌شناختی نظیر سرمایه روان‌شناختی نیازمند متغیرهای واسطه‌ای و یا احیاناً تعدیل‌کننده است. این تبیین به‌صورت مفصل‌تر در زیر در بحث مربوط به الگوی نهایی پژوهش ارائه خواهد شد؛ اما منطقی عدم وجود رابطه معنادار بین شخصیت خودشیفته با قلدری نیز به این واقعیت مربوط می‌شود که افراد خودشیفته اغلب خود عاملان زورگویی و پرخاشگری هستند [۱، ۲، ۵]. به همین دلیل نیز دیگران به دلیل تمایلات زورگویانه و پرخاشگرانه آن‌ها، ممکن است این افراد را هدف زورگویی قرار ندهند. از طرف دیگر ممکن است که افراد خودشیفته به دلیل اطمینان کاذب به خود و خودستایی بالا، در صورت مواجهه با قلدری و زورگویی دیگران، چون آن را تهدیدی جدی برای خود تلقی می‌کنند، آن را انکار و یا گزارش نکنند و بر همین پایه در سنجش خودشیفتگی با قلدری رابطه معناداری به دست نیاید. آخرین بخش از یافته‌های این پژوهش به الگوی یکپارچه و نهایی ارائه شده در شکل ۲ مربوط می‌شود.

الگوی نهایی نشان داد که دلبستگی آسیب‌پذیر از طریق قلدری با سرمایه روان‌شناختی و شخصیت خودشیفته به‌طور مستقیم با سرمایه روان‌شناختی رابطه برقرار می‌کنند. همچنین قلدری به‌طور مستقیم با سرمایه روان‌شناختی ارتباط برقرار می‌کند. این روابط بینش قابل توجهی از نحوه ارتباط بین دلبستگی آسیب‌پذیر و شخصیت خودشیفته با قلدری و سرمایه روان‌شناختی به دست می‌دهد. اولین بینش مطرح این است که دلبستگی آسیب‌پذیر عاملی زمینه‌ساز برای هدف قلدری قرار گرفتن است. پس از وقوع زورگویی دیگران با فرد، پیامد نهایی تضعیف سرمایه روان‌شناختی است.

این زنجیره روابط حاکی از وجود متغیرهای واسطه‌ای بین دلبستگی آسیب‌پذیر با سرمایه روان‌شناختی است.

این‌که چرا افراد دارای دلبستگی آسیب‌پذیر وقتی مورد زورگویی قرار می‌گیرند از سطح سرمایه روان‌شناختی آن‌ها کاسته می‌شود، شاید به این مسئله بازمی‌گردد که افراد دارای دلبستگی آسیب‌پذیر از نظر روانی و رفتاری افراد مستعد مورد زورگویی قرار گرفتن هستند. برای نمونه وقتی فرد دارای دلبستگی ناپمن است، نمی‌تواند به‌سادگی به دیگران اعتماد کند. این عدم اعتماد می‌تواند باعث خشم و عصبانیت افراد دیگر شده و باعث به‌کارگیری زورگویی و پرخاشگری با آن‌ها شود.

با افراد مجاورت جو، اغلب برای حفظ امنیت روان‌شناختی خود به دیگران نزدیک شده و در مجاورت آن‌ها باقی می‌مانند.

این مجاورت خود عاملی جهت هدف زورگویی قرار گرفتن می‌شود؛ اما شخصیت خودشیفته با قلدری دارای رابطه نبود و در عوض نقش تضعیف‌کننده خود را بر سرمایه روان‌شناختی به‌طور

و شخصیت (دانشور رفتار)، سال ۳، ش ۵، صص ۲۴-۱۳.

منابع

- 13- Geller, D., & Bamberger, P. (2009). Bringing attachment and anxiety to the job: attachment style and instrumental helping behavior among co-workers. *Human Relations* 62: 1,803-1,827.
- 14- Harms, P. D. (2011). Adult attachment styles in the workplace. *Human Resource Management Review*, 21(4), 285-296.
- 15- Bifulco, A., Moran, P. M., Ball, C., & Bernazzani, O. (2002). Adult attachment style. I: Its relationship to clinical depression. *Social Psychiatry & Psychiatric Epidemiology*, 37, 50-59.
- 16- Bifulco, A., Mahon, J., Kwon, J.-H., Moran, P., & Jacobs, C. (2003). The Vulnerable Attachment Style Questionnaire (VASQ): An interview-derived measure of attachment styles that predict depressive disorder. *Psychological Medicine*, 33, 1099-1110.
- 17- Popper, M., & Amit, K. (2009). Attachment and leader's development via experiences. *The Leadership Quarterly*, 20, 749-763.
- 18- Little, L. M., Nelson, D.L., Wallace, C., & Johnson, P. D. (2011). Integrating attachment style, vigor at work, and extra-role performance. *Journal of Organizational Behavior*, 32(3), 464-484.
- 19- Van Sloten, J. A. (2011). Attachment orientation and leadership style: From children play to partnerships with the person upstairs. Unpublished Bachelor Thesis in Psychology, University of Michigan.
- 20- Lutgen-Sandvik, P., & Sypher, B. D. (2009). *Destructive organizational communication*. New York: Routledge Press.
- 21- Ashford, C. (2010). Childhood bullying and paranoid thinking. Unpublished Doctoral Dissertation in Clinical Psychology, Faculty of Medicine, Health and Life Sciences, School of Psychology, University of Southampton.
- 22- Deniz, N., & Gulen Ertosun, O. (2010). The relationship between personality and being exposed to workplace bullying or mobbing. *Journal of Global Strategic Management*, 7, 129-142.
- 23- Balducci, C., Alfano, V., & Fraccaroli, F. (2009). Relationships between mobbing at work and MMPI-2 personality profile, post traumatic stress symptoms and suicidal ideation and behaviour. *Violence and Victims*, 24(1), 5267.
- 1- Campbell, W.K., Bosson, J.K., Goheen, T.W., Lakey, C.E., & Kernis, M.H. (2007). Do narcissists dislike themselves "deep down inside"? *Association for Psychological Science*, 18(3), 227-229.
- 2- Atlas, G.D., & Them, M.A. (2008). Narcissism and sensitivity to criticism: A preliminary investigation. *Current Psychology*, 27, 62-76.
- 3- Fields, S. K. (2012). Narcissism and intimate partner violence: An establishment of the link and investigation of multiple potential mediators. Unpublished Master Thesis in Psychology, Department of Psychology East Tennessee State University.
- 4- Ames, D.R., Rose, P., & Anderson, C.P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of Research in Personality*, 40, 440-450.
- 5- King, J. W. (2012). Narcissism in romantic relationships: An analysis of couples' behavior during disagreements. *Kaleidoscope*, 10(11), 1-8.
- 6- Vazire, S., & Funder, D.C. (2006). Impulsivity and the self-defeating behavior of narcissists. *Personality and Social Psychology Review*, 10(2), 154-165.
- 7- Kemejgor, B., Sussman, L., Kline, J., & Zurada, J. (2007). Who are the difficult employees? Psychopathological attributions of their co-workers. *Journal of Business & Economics Research*, 5(10), 47-61.
- 8- Twenge, J.M., & Campbell, W.K. (2009). *The narcissism epidemic: Living in the age of entitlement*. Free Press.
- 9- Carr, S., Colthurst, K., Coyle, M., & Elliott, D. (2013). Attachment dimensions as predictors of mental health and psychosocial well-being in the transition to university. *European Journal of Psychology of Education*, 28 (2), 157-172.
- 10- Fraley, R.C., & Shaver, P. R. (2008). Attachment theory and its place in contemporary personality theory and research. In: O.P. John, R.W. Robins, & L.A. Pervin (Eds.), *Handbook of personality: theory and research* (pp. 518-541). New York, N.Y: Guilford Press.
- ۱۱- امانی، رزیتا، اعتمادی، عذرا، فاتحی‌زاده، مریم و بهرامی، فاطمه. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*، سال نوزدهم، ش ۶، صص ۲۶-۱۵.
- ۱۲- امانی، رزیتا و مجذوبی، محمدرضا. (۱۳۹۰). پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس سبک‌های دلبستگی. *روان‌شناسی بالینی*

- 34- Luthans, F., Avey, J. B., Avolio, B. J., & Peterson, S. J. (2010). The development and resulting performance impact of positive psychological capital. *Human Resource Development Quarterly*, 21, 41-67.
- 35- Huang, P., & Lin, Y. (2013). Moderating effect of psychological capital on the relationship between career capital and career success. The 16th Conference on Interdisciplinary and Multifunctional Business Management & High Education Forum on Business Management, Department of Business Administration, Soochow University, Saturday 15 June, 2013.
- 36- Norman, S. M., Avey, J. B., Nimmicht, J. L., & Graber-Pigeon, N. P. (2010). The interactive effects of psychological capital and organizational identity on employee citizenship and deviance behaviors. *Journal of Leadership and Organization Studies*, 17, 380-391.
- 37- Venkatesh, R., & Blaskovich, J. (2012). The mediating effect of psychological capital on the budget participation-job performance relationship. *Journal of Management Accounting Research*, 24(1), 159-175.
- 38- Luthans, F., Norman, S. M., Avolio, B. J., & Avey, J. B. (2008). The mediating role of psychological capital in the supportive organizational climate-employee performance relationship. *Journal of Organizational Behavior*, 29, 219-238.
- 39- Wright, T. A., & Quick, J. C. (2009). The emerging positive agenda in organizations. *Journal of Organizational Behavior*, 30, 147-160.
- 40- Brandt, T., Gomes, J. F. S., & Boyanova, D. (2011). Personality and psychological capital as indicators of future job success? *Liiketaloudellinen Aikakauskirja*, 3, 263- 289.
- 41- Dallago, L., Perkins, D.D., Santinello, M., Boyce, W., Molcho, M., & Morgan, A. (2009). Adolescent place attachment, social capital, and perceived safety: A comparison of 13 countries. *American Journal of Community Psychology*, 44, 148-160.
- 42- Young, D. M. (2010). Validation study of the workplace relationships inventory: A workplace self report measure of adult attachment style. Unpublished Doctoral Dissertation, the University of Texas Southwestern Medical Center at Dallas: Dallas, Texas.
- 24- Balducci, C., Fraccaroli, F., & Schaufeli, W. B. (2011). Workplace bullying and its relation with work characteristics, personality, and post-traumatic stress symptoms: an integrated model. *Anxiety, Stress & Coping: An International Journal*, 24(5), 499-513.
- 25- Bowling, N.A., Beehr, T.A., Bennett, M.M., & Watson, C.P. (2010). Target personality and workplace victimization: A prospective analysis. *Work & Stress*, 24(2), 140-158.
- 26- Walden, L. M., & Beran, T. N. (2010). Attachment quality and bullying behavior in school-aged youth. *Canadian Journal of School Psychology*, 25(1), 5-18.
- 27- Wang, J., Iannotti, R. J., & Nansel, T. R. (2009). School bullying among adolescents in the United States: Physical, verbal, relational, and cyber. *Journal of Adolescent Health*, 45(4), 368 - 375.
- 28- Del Villar, C. (2011). Bullying, ethnic discrimination or both? A phenomenological study of the experiences of immigrant adolescents. Unpublished Master Thesis in Social Work, University of Toronto.
- 29 - Zapf, D., Escartín, J., Einarsen, S., Hoel, H., & Vartia, M. (2011). Empirical findings on prevalence and risk groups of bullying in the workplace. In S. Einarsen, H. Hoel, D. Zapf, & C.L. Cooper (eds). *Bullying and Harassment in the Workplace: Developments in Theory, Research, and Practice* (pp. 75-106). 2nd edn, Boca Raton, FL: CRC Press.
- 30- Salin, D., & Hoel, H. (2010). Organizational causes of workplace bullying. In S. Einarsen, H. Hoel, D. Zapf & C.L. Cooper (Eds.), *Bullying and harassment in the workplace. Developments in theory, research, and practice* (pp. 227-243). Boca Raton, FL: CRC Press.
- 31- Sagone, E., & De Caroli, M. E. (2012). White bully vs. Black victim or Black bully vs. White victim? Ethnicity and severity of behavior in Italian children. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Available Online at: [www. Science-direct.com](http://www.Science-direct.com).
- 32- Zapf, D., & Einarsen, S. (2010). Individual antecedents of bullying: Victims and perpetrators. In S. Einarsen, H. Hoel, D. Zapf & C.L. Cooper (Eds.), *Bullying and harassment in the workplace. Developments in theory, research, and practice* (pp. 177200). Boca Raton, FL: CRC Press.
- 33- Avey, J. B., Reichard, R. J., Luthans, F., & Mhatre, K. H. (2011). Meta-analysis of the impact of positive psychological capital on employee attitudes, behaviors, and performance. *Human Resource Development Quarterly*, 22(2), 127-152.

44- Meyers, L.S., Gamst, G., & Guarrino, A.J. (2006). *Applied multivariate research: design and interpretation*. Thousand Oaks, London: SAGE publications.

۴۵- شوماخر، رندال، ای؛ و لومکس، ریچارد، جی. (۱۳۸۱).
مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری. ترجمه وحید قاسمی.
چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۴۶- گل‌پرور، محسن و واثقی زهرا. (۱۳۸۹). نگاهی نوین به نقش
سبک‌های دلبستگی در محیط‌های کار: مطالعه موردی رهبری
اخلاقی و ستمگرانه با سرمایه روانی. دومین کنگره دوسالانه
روان‌شناسی صنعتی و سازمانی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی
خوراسگان، اصفهان، ۲۰ و ۲۱ اسفندماه ۱۳۸۹.

۴۷- گل‌پرور، محسن، رفیع‌زاده، هاله و عارفی، مژگان. (۱۳۹۳).
بررسی همبستگی قلدری در بیمارستان با شکایات جسمانی و
بهبودی عاطفی در پرستاران زن. پژوهنده، سال ۱۹، ش ۱۰۲،
صص ۳۳۴-۳۲۸.

48- Golparvar, M., & Rafizadeh, H. (2014). The relationship between bullying at workplace with psychological and spiritual well being of nurses. *Humanities and Social Sciences Letters*, 2(2), 120-128.